

واکاوی بحران روسیه - اوکراین بر اساس اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

سیدمحسن میرحسینی^۱، سید حسین عمران^۲

۱۴

دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۱۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۹/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۹/۲۰

صص: ۲۶۸-۲۳۵

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



CC BY-NC-SA

چکیده
روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ «حمله نظامی ویژه» را علیه اوکراین آغاز نمود. به گفته ولادیمیر پوتین هدف این حمله؛ دفاع مشروع فردی در مقابل تهدیدات ناتو و غرب و همچنین دفاع مشروع جمعی در قالب پیمان امنیتی روسیه و جمهوری‌های خلق لوهانسک و دونتسک و مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد بوده است. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که حمله نظامی روسیه به اوکراین از منظر حقوق بین‌الملل چگونه تلقی می‌گردد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد باتوجه به تاریخچه دفاع مشروع در حقوق عرفی، متن منشور ملل متحد، قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل و همچنین پرونده‌های مرتبط با دفاع مشروع در دیوان بین‌المللی دادگستری، عملیات نظامی ویژه روسیه به منزله استفاده غیرقانونی از زور است و بر اساس معیارهای تعیین شده در حقوق بین‌الملل، توجیه روسیه برای دفاع مشروع بی‌اعتبار است؛ زیرا هیچ حمله مسلحانه‌ای علیه روسیه رخ نداده بود و همچنین ادعای دفاع مشروع جمعی نیز مشروعیت ندارد زیرا مناطق لوهانسک و دونتسک شرایط دولت شدن را دارا نبوده و عضو سازمان ملل متحد نیستند؛ و همچنین بفرض اینکه تهدیدات ناتو و غرب خطری برای روسیه باشد و مناطق لوهانسک و دونتسک، کشورهای مستقل و حتی اگر عضو سازمان ملل هم می‌بودند بازهم این حمله نقض اصل عدم توسل به‌زور در حقوق بین‌المللی است؛ زیرا روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات هنوز در دسترس بودند و روسیه باید از آن ابزار استفاده می‌نمود. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اوکراین، دفاع مشروع، روسیه، عدم توسل به‌زور.

DOI: 10.22080/jpir.2024.26388.1358

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

mmirhosaini@yazd.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۱. مقدمه

جهان در پنجم اسفند ۱۴۰۰ شاهد تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، و اشغال شهرهای اوکراین توسط سربازان روس یکی بعد از دیگری بود. این دو کشور سابقه مناقشه بر سر شبه جزیره کریمه و بعضی مناطق روس تبار اوکراین را داشتند ولی به دنبال الحاق کریمه به روسیه، اختلافات کیف با مسکو به اوج خود رسید و گرایش‌های جدایی طلبانه در مناطق شرقی اوکراین مثل استان‌های اودسا، لوهانسک، دونتسک و منطقه دونباس شدت یافت (زمانی، ۱۳۹۲: ۸۸۹) و با اعلان استقلال این مناطق و به رسمیت شناختن آن‌ها توسط روسیه، رابطه روسیه و اوکراین بیشتر از قبل تیره گشت که این امر در نهایت منتج به حمله روسیه به اوکراین در بامداد ۵ اسفند ۱۴۰۰ گردید.

روسیه به‌عنوان میراث دار شوروی سابق، که خود از بنیان‌گذاران نظام حقوقی پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید این اقدام خود را در قالب نظام حقوق بین‌المللی در دفاع پیشگیرانه از خود توجیه کرده و در صبح روز حمله به اوکراین، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل به دبیر کل سازمان ملل متحد از اقدام نظامی روسیه اطلاع داد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در زمان آغاز تجاوز؛ به بیان دلایل تهاجم روسیه به اوکراین پرداخته (P. Mulligan, 2022:2) و در بیانیه صادره از کاخ کرملین این حمله را دفاعی مشروع و در حمایت از روسیه و دولت خود خوانده منطقه دونباس بیان کرد که روسیه پیش‌ازین، آن‌ها را به‌عنوان دولت‌هایی مستقل مورد شناسایی قرار داده بود. پوتین در این بیانیه، دولت‌های غربی را متجاوزانی بالقوه خواند و بیان کرد «هیچ‌کس نباید در این تردید کند که هر متجاوز بالقوه‌ای در صورت حمله به کشور ما با شکست و عواقب شومی مواجه خواهد شد». افزون بر این، روسیه با اشاره به معاهده دوستی، همکاری و کمک متقابل منعقد شده با رهبران دونتسک و لوهانسک، دفاع مشروع جمعی را دستاویزی برای مشروعیت بخشیدن به اقدام خود قرار داده و طبق ادعای روسیه این حمله بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و برای دفاع از خود و متحدان خود در مقابل حمله ایالات متحده آمریکا و سایر اعضا ناتو بوده است.

از سوی دیگر منشور ملل متحد که یکی از مهم‌ترین معاهدات قانونی در حقوق بین‌الملل بوده و رعایت آن برای همه اعضا و حتی غیر اعضا لازم‌الاجرا می‌باشد در ماده ۵۱ خود که مستند پوتین برای تجاوز به اوکراین می‌باشد می‌گوید:

«در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ‌وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تأثیری نخواهد داشت» (کمالان، ۱۳۸۶: ۶۹).

هرچند ماده ۵۱ منشور دفاع از خود را برای تمامی کشورها حق طبیعی و مشروع می‌داند؛ ولی منشور ملل متحد در هیچ جایی از منشور؛ دفاع از خود را تعریف نکرده و متذکر نشده است که کدام حالت را می‌توان به‌عنوان دفاع از خود محسوب کرد.

در این راستا از دیدگاه اندیشمندان حقوق بین‌الملل و در یک کلیت شمول‌گرا می‌توان «دفاع مشروع» را این‌گونه تعریف کرد:

«کاربرد قانونی زور متقابل در پاسخ به استفاده غیرقانونی قبلی از زور بر اساس دیدگاه منشور ملل متحد یا حداقل تهدید به زور بر اساس تفسیر موسع از حقوق عرفی بین‌المللی تحت شرایطی که حقوق بین‌الملل مقرر داشته باشد» (محمد علیپور، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

پس نظر به ماده ۵۱ منشور و تعریفی که از دفاع مشروع ارائه شد به این نتیجه می‌رسیم که فقدان اقدام نظامی در اوکراین که دولت روسیه را تهدید کند به این معنی است که استدلال «دفاع از خود» روسیه قابل قبول نیست، چون دفاع مشروع تنها در فرض وقوع حمله مسلحانه و به شرط رعایت ضرورت، تناسب و فوریت امکان استناد دارد و روسیه نمی‌تواند حمله خود به اوکراین را بر اساس اصل ۵۱ منشور ملل متحد توجیه کند.

حق دفاع مشروع دولت‌ها اصلی است مقدس و به معنی حمایت از کشورهای کوچک و ضعیف در برابر تجاوزهای قدرتمند می‌باشد. باوجوداین، پس از سال ۱۹۴۵ م عمدتاً

قدرت‌های بزرگ و کشورهای به لحاظ نظامی توانمند، مشتری پر و پا قرص حق دفاع مشروع بوده‌اند و آن را به‌عنوان توجیه توسل به‌زور علیه دیگر کشورها مورد استناد قرار داده‌اند. کشورهای قدرتمند از جمله روسیه برای استفاده و در واقع، سوءاستفاده از زور، همواره به ماده ۵۱ منشور ملل متحد استناد کرده‌اند.

قبل از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ م گرچه دولت‌ها به‌ندرت به دکتین دفاع مشروع بازدارنده استناد کرده‌اند، اما پس از حادثه یازدهم سپتامبر، دکتین «دفاع مشروع بازدارنده» طرفداران بیشتری پیدا کرد و اعلام دکتین «دفاع مشروع پیشگیرانه» در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا نقطه عطفی در زمینه توجیه برخی اقدامات دخالت جویانه و تجاوزگرانه در کشورهای ضعیف‌تر بود (شریفی طرازکوهی و چهاربخش، ۱۳۹۲: ۱).

با در نظر داشت مطالب فوق این مقاله درصدد بررسی حمله روسیه به اوکراین از منظر حقوق بین‌الملل است و هدف مقاله پاسخ دادن به این سؤال است که حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ چه جایگاهی در حقوق بین‌الملل دارد؟

۲- پیشینه تحقیق:

هرچند، تحقیقات دیگری از جانب بعضی از نویسندگان درباره دفاع مشروع، جنگ پیشگیرانه، جنگ پیش‌دستانه، و اختلافات روسیه و اوکراین انجام شده است اما در مورد موضوع این مقاله یعنی (حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲) تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است در ادامه به بعضی از موضوعات که مرتبط به پژوهش حاضر است، اشاره می‌گردد:

محمد علیپور (۱۳۸۳) در کتاب دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد می‌گوید: کشورهای متجاوز همیشه با برداشت موسع از ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دست به تجاوز علیه دیگر کشورها زده و با استناد به این ماده، حقوق بین‌الملل را نقص کرده‌اند.

شاپوری (۱۹۹۳) در کتاب بحران اوکراین زمینه‌ها، بازیگران و پیامدها: به اتفاقات بین روسیه و اوکراین در سال ۲۰۱۴ پرداخته، چون در اثر آن اتفاقات بود که کریمه از اوکراین جدا گردید و جدایی کریمه باعث شد که بحران‌ها بین مسکو - کیف وارد مرحله جدیدی گردد.

کریم‌خانی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین آثار و پیامدهای تجاوز کشور روسیه علیه خاک اوکراین (در سال ۲۰۲۲) از منظر حقوق بین‌الملل» بیان می‌کنند که ماهیت بین‌المللی تهاجم روسیه به اوکراین (در فوریه ۲۰۲۲) پیامدهای عمیقی بر روابط بین‌الملل خواهد داشت. گرین، هندرسون، و رویس^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «حمله روسیه به اوکراین و مشروعیت جنگ» به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا حمله روسیه به اوکراین در حقوق بین‌الملل مشروعیت دارد یا خیر؟

۳- مبانی نظری:

با توجه به این که هدف این مقاله بررسی جایگاه حمله روسیه از منظر حقوق بین‌الملل است، در ابتدا؛ اصل عدم توسل به زور و سپس اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل بیان خواهد شد.

۳-۱- عدم توسل به زور

اصل «عدم توسل» به زور در حقوق بین‌الملل از اهمیت خاصی برخوردار است؛ دلیل آن هم جنگ‌های فراوانی است که جامعه بشری پشت سر گذرانده و این امر باعث گردیده تا در ابتدا اصل عدم توسل به زور به شکل یکی از اصول حقوق عرفی بین کشورها پذیرفته شود (علیخانی، ۱۳۹۳: ۲۳)، ولی بعد از دو جنگ جهانی، جامعه بشری به این موضوع پی برد که باید جنگ را برای همیشه ممنوع کنند؛ برای همین قاعده منع توسل به زور و یا تحریم جنگ یکی از قواعد آمره و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر گردید؛ اما پذیرش این اصل دوره‌ای طولانی را طی کرده است. در ابتدا با تقسیم‌بندی جنگ‌ها به **جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه** تلاش گردید تا جنگ را کاهش دهند (مهدویان، افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۶) این نظریه الهام گرفته شده از دیدگاه فلاسفه روم و یونان مانند سیسرو^۲ بود که توسط افراد مذهبی مانند آگوستین^۳ و آکویناس^۴ با آموزه‌های مسیحیت درآمیخته شده و گسترش پیدا کرده بود (فضائی، کرمی، ۱۳۹۹: ۳۴-۳۵). اما بعد از رنسانس دیدگاه‌های این قدیسین توسط اندیشمندان دیگری

1 James A. Green, Christian Henderson & Tom Ruys (۲۰۲۲) *Russia's attack on Ukraine and the jus ad bellum*, *Journal on the Use of Force and International Law*, 9: 1, ۴-۳۰

2 Cicero

3 Saint Augustine

4 Saint Thomas Aquinas

ادامه پیدا کرد. مثلاً گروسیوس چهار شرط را برای عادلانه بودن جنگ بیان می‌کند و می‌گوید برای عادلانه بودن جنگ این چهار شرط الزامی است ۱- دفاع از خود؛ ۲- جبران خسارت برای صدمات، ۳- اعمال حقوق ۴- تنبیه خطاکار (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

البته این تقسیم‌بندی‌ها در عمل آثار و نتایج محدودکننده چندانی در پی نداشتند و جنگ همچنان به‌عنوان یکی از پدیده‌های مهم روابط بین‌المللی پذیرفته شده بود. در قرن هجدهم و با پیدایش مفهوم حاکمیت، تمامی کشورها باهم برابر تلقی گردیدند در نتیجه هیچ کشوری صلاحیت این را نداشت تا تشخیص دهد که کدام جنگ عادلانه و کدام جنگ ناعادلانه است و این‌گونه بود که مفهوم جنگ عادلانه در روابط بین دولت‌ها رنگ باخت ولی بازهم کشورها کوشش کردند تا اقداماتی را برای محدود نمودن جنگ انجام دهند از این‌روی اقدام به انعقاد توافقات دو و چندجانبه نمودند.

۳-۱-۱- اجلاس صلح

اجلاس صلح لاهه را شاید بتوان یکی از نخستین اقدامات جدی و فراگیر جامعه بین‌الملل در راستای محدود کردن جنگ دانست، این کنوانسیون‌ها در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تدوین و تصویب شده‌اند. در نتیجه این اجلاس، ۱۴ موافقت‌نامه امضاء گردید که ۱۲ موافقت‌نامه آن به جنگ اختصاص یافته بود؛ اما به دلیل عملی نشدن تصمیمات این اجلاس و راه‌هایی که برای جلوگیری از جنگ در پیش گرفته بود، ناکام ماند و نتیجه این ناکامی جنگ جهانی اول بود (قاسمی و چهاربخشی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

۳-۱-۲- جامعه ملل:

بعد از جنگ جهانی اول و زمانی که جامعه بشری به این نتیجه رسید که باید جلوی جنگ را بگیرند و از تکرار دوباره جنگ جهانی جلوگیری کنند، توافق کردند تا جامعه ملل را تأسیس نمایند.

اعضای جامعه ملل برای جلوگیری از جنگ، سه‌راه را در نظر گرفته بودند:

- ۱) تبدیل کردن جنگ به یک موضوع بین‌المللی.
- ۲) ملزم شدن اعضا برای محافظت از استقلال و تمامیت ارضی دیگر اعضا در مقابل حمله خارجی‌ها.
- ۳) تشویق اعضا برای حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز و به تأخیر انداختن جنگ (میثاق جامعه ملل، ۱۹۱۹: ۶).

همچنان بعد از تصویب میثاق جامعه ملل، اعضا جامعه ملل تصمیم گرفتند تا در راستای میثاق و در ممنوعیت و تحریم جنگ، اقدام به پیشنهاد بعضی پروتکل‌ها، مانند پروتکل ژنو ۱۹۲۴م و انعقاد معاهدات چندجانبه مانند معاهده (بریان - کلوگ) یا پیمان پاریس ۱۹۲۸م و مقاله نامه تعریف تجاوز لندن کنند.

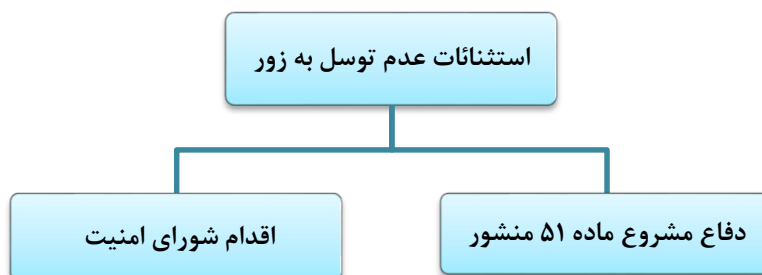
۳-۱-۳- سازمان ملل:

عدم توانایی جامعه ملل و پیمان‌های چندجانبه برای جلوگیری از جنگ باعث شروع شدن جنگ جهانی دوم گردید بعد از جنگ، کشورها تصمیم گرفتند سازمان ملل را تأسیس نمایند. هدف از تأسیس سازمان ملل جلوگیری از جنگ‌ها بعدی بود، برای همین در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد توسل جستن به زور را ممنوع اعلام نمودند (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۴۳۷).

ماده ۲ بند ۴ بیان می‌دارد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد ناسازگاری داشته باشد خودداری خواهند نمود.» (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵، ۲).

طوری که دیده می‌شود بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد قاعده‌ای را تعیین می‌کند که نه تنها استفاده از زور، بلکه تهدید به زور را در روابط بین‌الملل منع می‌کند، این ممنوعیت دوگانه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام بین‌الملل معرفی می‌شود، زیرا نه تنها از دولت‌ها می‌خواهد که از توسل به زور خودداری کنند، بلکه باید از تهدید به زور هم خودداری کنند.

اما اصل عدم توسل به زور دارای استثنائاتی می‌باشد.



۳-۲- دفاع مشروع:

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ماده ۵۱ منشور بیان می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به‌حق ذاتی دفاع مشروع، خواه فردی یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال دفاع مشروع به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند.» (کمالان، ۱۳۸۶: ۶۹).

تعریف دفاع مشروع:

«استفاده قانونی زور برای دفاع از خود در مقابل استفاده غیرقانونی زور و یا تهدید به‌زور بر اساس تفسیر موسع از حقوق عرفی تحت شرایط حقوق بین‌المللی است.» (محمدعلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

پس با توجه به اینکه اساسی‌ترین هدف منشور و سازمان ملل متحد «نجات نسل‌های بعدی از بلای جنگ» است. پس، همان‌طور که گفته شد، عدم توسل به‌زور هدف اساسی منشور می‌باشد، ولی از طرف دیگر جامعه بشری همیشه تشخیص داده است که افراد باید حق دفاع از خود را در برابر خشونت داشته باشند؛ در حقوق بین‌الملل حق دفاع مشروع برای دولت‌ها توسط منشور سازمان ملل متحد، در ماده ۵۱ ذکر گردیده است و ماده ۵۱ استثنایی بر عدم توسل به‌زور است.

۳-۲-۱- شروط دفاع مشروع:

نظر به ماده ۵۱ منشور یک کشور زمانی می‌تواند از قاعده دفاع مشروع استفاده کند و به‌زور متوسل گردد که موردحمله مسلحانه قرار گرفته باشد. ولی دفاع مشروع هم دارای شرایطی است که در ذیل آن‌ها را موردبررسی قرار می‌دهیم. قسمت اول: احراز تجاوز مسلحانه: شرط اولیه دفاع مشروع مسلم بودن تجاوز مسلحانه است، یعنی نیروهای نظامی کشور دیگری به‌صورت زورمندانه از مرزهای بین‌المللی به کشوری تجاوز نماید (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۴۴۲-۴۴۳) قسمت دوم: رعایت شروط ضرورت، تناسب^۱ و فوریت^۳ (جلالی، ۱۳۸۵: ۱۵۲-۱۵۳)

1 Threshold
2 proportionality
3 immediacy

با این حال ذکر این نکته لازم است که از دفاع مشروع هیچ تعریفی مشخصی در منشور ملل متحد صورت نگرفته است و این خود زمینه را برای برداشت‌های متفاوت باز گذشته است. ولی در کل در قسمت دفاع مشروع دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ یک دیدگاه کلاسیک دفاع مشروع است که بیان می‌کند، کشوری زمانی می‌تواند به دفاع مشروع متوسل گردد که مورد حمله مسلحانه قرار گرفته؛ ولی دیدگاه دوم این است که مفاد منشور در مورد دفاع مشروع با واقعیت امروزی منطبق نیست و زمانی که حمله قریب‌الوقوع است نباید منتظر نشست تا حمله رخ دهد و متحمل خسارت گردید؛ بلکه وقتی کشوری با حمله قریب‌الوقوع روبرو است می‌تواند پیش‌دستی کند و قبل از اینکه مورد حمله قرار بگیرد اقدام به دفاع مشروع نماید؛ این دیدگاه خود به دو بخش تقسیم می‌شود ۱- دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه ۲- دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه (رجبی تاج امیری و سلطان‌آبادی، ۱۴۰۰: ۹۹-۱۰۰).

۳-۲-۲- دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه^۱

دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه بیان می‌کند هرگاه دولتی مورد حمله مسلحانه قرار گیرد و بعداً دولت قربانی یقین پیدا کند که حملات بیشتری در حال طراحی است، می‌تواند به دفاع مشروع پیش‌دستانه متوسل گردد، (حقیقت پور، ۱۳۹۹: ۳۹). یعنی متوسل شدن به حمله نظامی؛ چه در ابعاد وسیع که می‌تواند شامل هجوم همه‌جانبه و اشغال یک کشور گردد و چه در ابعاد محدود که می‌تواند صرفاً دربرگیرنده انهدام اهدافی معین باشد.

۳-۲-۳- دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه^۲

دفاع مشروع پیشگیرانه، حمله‌ای است که برای پاسخ به تهدیدات کمتر فوری از جانب یک کشور صورت می‌گیرد و هدف آن است «تا عنصر تهدید را خیلی سریع ضربه خردکننده متحمل شده و تا مدت‌های مدیدی از دایره تهدیدزائی برای کشور مهاجم خارج شود» (ظریف و آهنی، ۱۳۹۱: ۴۶). فرق دفاع مشروع پیشگیرانه با دفاع مشروع پیش‌دستانه در این نکته نهفته است که در دفاع مشروع پیش‌دستانه یا حمله رخ داده و کشور قربانی برای جلوگیری از حملات بیشتر پیش‌دستی می‌کند و دست به حمله می‌زند و یا اینکه حمله‌ای قریب‌الوقوع است و باز هم با اقدام

1 Preventive Self-defense

2 Pre-emptive Self-defense

پیش‌دستانه و برای دفاع از خود اقدام به حمله می‌کند؛ ولی در دفاع پیشگیرانه حمله‌ای تا هنوز رخ نداده و حتی نشانه‌های از حمله‌ای قریب‌الوقوع هم دیده نمی‌شود ولی دولت حمله‌کننده بایبان این‌که تهدیدی امکان دارد در آینده متوجه آن گردد اقدام به حمله‌ای نظامی می‌کند. اما مهم‌ترین فرق در این است که دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل موردپذیرش قرار گرفته ولی دفاع مشروع پیشگیرانه موردقبول حقوق بین‌الملل و اعضای سازمان ملل نیست و هرزمانی که کشوری با استناد به دفاع مشروع پیشگیرانه، اصل عدم توسل به‌زور را نقض کرده با محکومیت گسترده بخش‌های مختلف و اعضا سازمان ملل روبرو گردیده است؛ به‌طور مثال حمله اسرائیل به راکتورهای اتمی عراق ۱۹۸۱ م و حمله امریکا به عراق ۲۰۰۳ م که حمله اسرائیل توسط شورای امنیت سازمان ملل محکوم گردید و حمله امریکا با مخالفت گسترده کشورهای جهانی روبرو شد. پس می‌توانیم بیان کرد که دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جایگاهی ندارد؛ چون دفاع مشروع خود استثنایی بر قاعده عدم توسل به‌زور است و از آنجایی که هدف منشور جلوگیری از جنگ است پس زمانی که ما می‌خواهیم یکی از بندهای منشور را تفسیر کنیم باید روح کلی منشور که در واقع همان عدم توسل به‌زور است را در نظر بگیریم؛ پس به این دلیل نمی‌توان از ماده ۵۱ منشور چنان تفسیر موسعی انجام داد که نتیجه آن دفاع پیشگیرانه گردد. (ظریف و آهنی، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۳).

۴-توجیحات روسیه برای حمله به اوکراین

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ در یک سخنرانی تلویزیونی آغاز حمله نظامی به اوکراین را اعلان کرد. وی، بیان نمود که روسیه این حمله را برای تأمین امنیت خود شروع کرده است. او در توجیه این حمله بیان کرد، گسترش ناتو به سمت روسیه تهدید جدی برای بقای این کشور محسوب می‌گردد. وی، در ادامه ادعا نمود که علت حمله نظامی روسیه به اوکراین، دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دفاع دسته‌جمعی بر اساس معاهده امنیتی بین روسیه و جمهوری‌های دنباس است و همچنین دلیل سوم که به‌صورت مشخص ذکر نکرد ولی به آن اشاره نمود، دخالت بشردوستانه است (سایت ریاست جمهوری روسیه، ۲۰۲۲).

از این جهت نیاز است تا ادعاهای که پوتین برای توجیه حمله این کشور به اوکراین بیان نموده، از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد، تا معلوم گردد که آیا اقدام روسیه مطابق با منشور ملل متحد و اصل دفاع مشروع بوده و یا اینکه این حمله باعث نقض اصل عدم توسل به زور در حقوق بین‌المللی است؟.

۴-۱- مداخله بشردوستانه:

پوتین در قسمتی از سخنرانی خود بیان کرد که: «هدف این عملیات حفاظت از مردمی است که هشت سال با تحقیر و نسل‌کشی رژیم کی‌یف روبرو هستند. به این منظور، ما به دنبال غیرنظامی کردن اوکراین و همچنین محاکمه کسانی خواهیم بود که مرتکب جنایات خونین متعدد علیه غیرنظامیان از جمله علیه شهروندان فدراسیون روسیه شدند» (سایت ریاست جمهوری روسیه، ۲۰۲۲). از صحبت‌های پوتین می‌توان «مداخله بشردوستانه» را برداشت کرد. به عبارت دیگر، چنین برداشت می‌شود که؛ رئیس‌جمهوری روسیه این عملیات را برای حفاظت از اتباع کشور دیگر انجام داده است، و نیروهای روسیه برای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشر به اوکراین حمله نموده‌اند. اما، در قبال مداخله بشردوستانه دیدگاه‌های متفاوتی در حقوق بین‌الملل وجود دارد. تعدادی مخالف حمله بشردوستانه هستند و گروهی هم موافق این اقدام. بهر صورت اگر، ما فرض را بر این بگذاریم که مداخله بشردوستانه می‌تواند استثنایی بر اصل عدم توسل به زور باشد، اول باید دانست که آیا اصلاً حمله روسیه به اوکراین در قالب مداخله بشردوستانه قرار می‌گیرد یا خیر؟

مداخله بشردوستانه معمولاً این‌گونه تعریف می‌گردد:

نقض حاکمیت کشوری که از حقوق اساسی بشر در حوزه صلاحیتش حفاظت نمی‌کند، این نقض حقوق اساسی بشر اغلب به وسیله خود دولت رخ می‌دهد و یا دولت ناتوان از آن است که مانع این نقض گردد. مداخله بشردوستانه بین‌المللی معمولاً عکس‌العملی در مقابل تخلف از حاکمیت دولت‌ها تعریف شده است. که به منظور حفاظت از حقوق اساسی بشر در حوزه قضایی کشور متخلف به کار برده می‌شود. تخلف کشورها معمولاً این‌گونه است که خود دولت‌ها در ارتکاب موارد نقض حقوق بشر مشارکت داشته‌اند یا اجازه می‌دهند نقض حقوق بشر رخ دهند و یا قادر به جلوگیری از آن‌ها نیستند، چنین مداخله‌ای اغلب شامل استفاده از نیروی مسلح است»

(لاچینانی، ۱۳۹۵: ۵۱). از تعریف مداخله بشردوستانه معلوم می‌شود، این اقدام بازور همراه است و مداخله بشردوستانه باعث توسل جستن به زور می‌گردد.

ولی در قسمت شروط مداخله بشردوستانه باید گفت که «مداخله بشردوستانه باید منوط به این چهار شرط احتیاطی باشد: «نیت راست، آخرین راه‌حل، تناسب و چشم‌انداز مناسب» (لاچینانی، ۱۳۹۵: ۵۲). بدین معنا که در مداخله بشردوستانه باید کشور مداخله‌گر، هدفش فقط کمک باشد و همچنین این اقدام باید ضرورت داشته و متناسب باشد و در آخر، جنبه‌های مثبت این اقدام بیشتر از جنبه‌های منفی آن باشد.

از زمان تصویب منشور ملل متحد و ممنوعیت استفاده از زور در حقوق بین‌الملل، چند مورد توسل جستن به زور، تحت عنوان مداخله بشردوستانه وجود دارد که بارزترین نمونه آن حمله هوایی پیمان ناتو در سال ۱۹۹۹ به یوگسلاوی بود (شبکه العالم، ۱۴۰۱). اما عنصر اساسی در هر مداخله بشردوستانه‌ای این است که باید نقض فاحش حقوق بشری رخ داده باشد.

رئیس‌جمهور روسیه، در سخنرانی خود اشاره کرده است که مردم بی‌گناه دنباس مورد نسل‌کشی قرار گرفته‌اند. نسل‌کشی، در ماده دوم کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت کشتار گروهی، این‌گونه تعریف شده است: «هر اقدامی که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود» نسل‌کشی است (کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت کشتار گروهی، ۱۹۴۸). اما، دولت روسیه قبل و همچنین در زمان این حمله نتوانسته هیچ مدرکی درباره ادعای خود ارائه دهد. در طرف مقابل دولت اوکراین در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۲۲ شکایتی علیه روسیه در دادگاه بین‌المللی دادگستری مطرح کرد و بیان نمود که از گفته‌های ولادیمیر پوتین درباره آغاز عملیات نظامی ویژه چنین استنباط می‌شود که روسیه این حمله را بر اساس ادعا نسل‌کشی در استان‌های لوہانسک و دونتسک اوکراین، آغاز نموده است (aceris Law, 2022). هدف اوکراین از طرح دعوا علیه روسیه این بود تا از حق خود دفاع نماید که در نتیجه ادعای نسل‌کشی، در معرض عملیات نظامی دولت دیگری در قلمرو خود قرار نگیرد. برای همین نماینده اوکراین در دیوان دادگستری بین‌المللی خواسته‌های ذیل را بیان کرد:

الف) دیوان دادرسی اعلام کند که برخلاف آنچه فدراسیون روسیه ادعا می‌کند، هیچ‌گونه نسل‌کشی در استان‌های لوہانسک و دونتسک اوکراین انجام نشده است.

ب) دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کند که فدراسیون روسیه نمی‌تواند بر اساس ادعای دروغین نسل‌کشی در استان‌های لوهانسک و دونتسک اوکراین، طبق کنوانسیون نسل‌کشی، علیه اوکراین اقدامی باهدف جلوگیری یا مجازات نسل‌کشی انجام دهد.

ج) دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کند که به رسمیت شناختن استقلال جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک بر اساس ادعای نسل‌کشی روسیه است و از آنجایی که نسل‌کشی صورت نگرفته، این اقدام روسیه مبنایی قانونی ندارد.

د) دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کند که عملیات نظامی ویژه که بر اساس ادعای دروغین نسل‌کشی از جانب روسیه اعلام و اجرا شده، هیچ مبنایی در کنوانسیون نسل‌کشی ندارد.

ه) از فدراسیون روسیه بخواهد که بر اساس ادعای دروغین نسل‌کشی، هیچ‌گونه اقدام غیرقانونی در داخل و علیه اوکراین، از جمله استفاده از زور، انجام ندهد.

و) دستور جبران کامل خساراتی که بر اساس ادعای دروغین نسل‌کشی، توسط فدراسیون روسیه به اوکراین وارد شده است را بدهد (پرونده اوکراین علیه روسیه، ۲۰۲۲، پاراگراف ۲). همچنین اوکراین در پایان جلسه ابتدایی از دادگاه درخواست نمود که:

الف) فدراسیون روسیه باید عملیات نظامی که با ادعای جلوگیری و مجازات عاملان نسل‌کشی در استان‌های لوهانسک و دونتسک در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز شده است را فوراً متوقف نماید.

ب) فدراسیون روسیه تضمین دهد که هر واحد نظامی یا شبه‌نظامی مسلحی که ممکن است توسط آن کشور هدایت و یا حمایت شود و همچنین هر سازمان و شخصی که ممکن است تحت کنترل، هدایت یا نفوذ آن کشور باشد؛ هیچ گامی در پیشبرد عملیات نظامی که هدف اعلام‌شده آن جلوگیری یا مجازات اوکراین به دلیل نسل‌کشی است، برنمی‌دارند.

ج) فدراسیون روسیه از اقداماتی که ممکن است حل و فصل این اختلاف را دشوارتر نماید، پرهیز کند (پرونده اوکراین علیه روسیه، ۲۰۲۲، پاراگراف ۵).

اما پس از طرح دعوا توسط اوکراین در دیوان دادگستری بین‌المللی، روسیه در دادگاه حاضر نگردید ولی طی نامه‌ای از موضعی که در سخنان پوتین بیان شده بود عقب‌نشینی نمود و بیان کرد که مبنای حمله نظامی روسیه به اوکراین ماده ۵۱ منشور ملل متحد و دفاع مشروع است. در نهایت دادگاه در غیاب روسیه برگزار و موارد ذیل را به‌عنوان نتیجه تصویب نمود:

۱ - فدراسیون روسیه فوراً عملیات نظامی که در ۲۴ فوریه در خاک اوکراین آغاز کرده را متوقف نماید.

۲ - فدراسیون روسیه تضمین دهد که هر واحد نظامی یا شبه‌نظامی مسلحی که ممکن است توسط آن کشور هدایت و یا حمایت شود و همچنین هر سازمان و شخصی که ممکن است تحت کنترل، هدایت یا نفوذ آن کشور باشد؛ هیچ اقدامی در پیشبرد عملیات نظامی مذکور انجام ندهد.

۳ - هر دو طرف باید از هر اقدامی که ممکن است اختلافات را تشدید یا افزایش دهد، خودداری کنند (پرونده اوکراین علیه روسیه، ۲۰۲۲، پاراگراف ۸۶).

در حکم دیوان دادگستری بین‌المللی دیده می‌شود که اوکراین با طرح این دعوا موفق شده تا ثابت نماید که نسل‌کشی‌ای در اوکراین و از جانب اوکراین رخ نداده است. حتی اگر دولت اوکراین مرتکب نقض حقوق بشر علیه روس‌ها در شرق اوکراین گردیده بود، بازهم نه کنوانسیون نسل‌کشی و نه منشور سازمان ملل به طرف‌های کنوانسیون یا کشورهای عضو سازمان ملل اجازه استفاده از زور را برای جلوگیری از نسل‌کشی یا نقض جدی حقوق بشر نمی‌دهند (Bellinger, 2022). دیوان دادگستری بین‌المللی در مورد توسل جستن روسیه به زور با ادعای این‌که درصدد جلوگیری از نسل‌کشی و مجازات عاملان آن در اوکراین است در پاراگراف ۵۶ دعوی اوکراین علیه روسیه بیان می‌کند: درست است که نظر به ماده (۱) کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت کشتار گروهی «همه کشورها متعهد شدند که نسل‌کشی را پیشگیری و عامل آن‌ها را مجازات نمایند ولی باید در انجام این عمل حسن نیت داشته باشند و دیگر مفاد کنوانسیون را هم در نظر بگیرند. همچنین در پاراگراف ۵۷ بیان می‌کند که هر دولتی برای جلوگیری از نسل‌کشی و مجازات عاملان آن، باید حقوق بین‌المللی را مدنظر داشته باشد؛ و در پاراگراف ۵۸ ذکر می‌کند که اقدام برای جلوگیری از نسل‌کشی و مجازات عاملان آن باید با روح منشور ملل متحد سازگار باشد و از آنجاکه هدف منشور ملل متحد حفظ و برقراری صلح است، لذا نیاز است ابتدا از روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات استفاده گردد و اگر این روش جواب نداد با اتخاذ تصمیم جمعی اقدامی برای رفع تهدیدات علیه صلح و اقدامات تجاوزکارانه صورت گیرد (پرونده اوکراین علیه روسیه، ۲۰۲۲).

اما روسیه قبل از حمله به اوکراین هیچ‌یک از موارد فوق را عملی نکرده و حمله این کشور نیز در نتیجه اقدام جمعی شورای امنیت صورت نگرفته است. پس معلوم می‌گردد که توسل روسیه به‌زور بر مبنای مداخله بشردوستانه در حقوق بین‌الملل جایگاهی ندارد و این ادعا از منظر حقوق بین‌الملل مردود است.

۴-۲- دفاع مشروع دسته‌جمعی:

پوتین در زمان شروع حمله نظامی به اوکراین گفته بود که «این کشور مطابق با ماده ۵۱ (فصل هفتم) منشور سازمان ملل متحد، با مجوز شورای فدراسیون روسیه و در اجرای معاهدات دوستی و کمک متقابل با جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک که به تصویب رسیده است، تصمیم گرفته یک عملیات نظامی ویژه انجام دهد» (سایت ریاست جمهوری روسیه، ۲۰۲۲).

طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به‌حق ذاتی دفاع مشروع خواه فردی یا دسته‌جمعی باشد لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند...» (کمالان، ۱۳۸۶: ۶۹). در این ماده دو مورد مهم وجود دارد. ۱- دفاع مشروع فردی. یعنی، یک کشور به‌تنهایی در مقابل متجاوز مقابله نماید. ۲- دفاع مشروع جمعی. یعنی، بیشتر از یک کشور برای دفاع از خود، متوسل به‌زور گردند. از گفته‌های پوتین چنین برمی‌آید که اقدام روسیه بر اساس دفاع مشروع جمعی بوده، یعنی این کشور در قالب پیمان دوستی که با جمهوری خلق لوهانسک و جمهوری خلق دونتسک داشته و برای دفاع از این کشورها اقدام به حمله نظامی نموده است. اما دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه نیکاراگوئه در برابر آمریکا سه شرط را برای وجود حق دفاع مشروع دسته‌جمعی تعیین کرده است که این شروط عبارت‌اند:

اول؛ باید یک حمله مسلحانه علیه یک کشور عضو وجود داشته باشد. دوم؛ کشور قربانی باید اعلام کند که قربانی یک حمله مسلحانه شده است و سوم؛ از دولت دیگری درخواست کمک کند (پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا، ۱۹۸۶، پاراگراف ۱۸۸). ولی، شرایط در مورد حمله روسیه به اوکراین متفاوت است. زیرا جمهوری‌های خلق لوهانسک و دونتسک، نظر به حقوق

بین‌المللی کشورهای مستقلی محسوب نمی‌گردند، نیز این کشورها حتی معیارهای حداقلی برای دولت بودن را دارا نیستند.

۴-۲-۱- معاهده مونته‌ویدئو^۱

این معاهده معیارهایی موردنیاز برای به وجود آمدن یک دولت، در حقوق بین‌الملل را بیان کرده است که عبارت‌اند از «(۱) جمعیت دائمی، (۲) مرزهای مشخص، (۳) حکومت، (۴) امکان برقراری ارتباط با سایر دولت‌ها» (معاهد مونته‌ویدئو، ۱۹۳۳).

از آنجایی که شرط اول درباره جمعیت است باید بیان نمود که جمعیت ساکن در این مناطق، شهروندان اوکراینی هستند پس در این صورت این مناطق جمعیت و تابعیت مختص به خود را ندارند. برای همین مناطق یادشده فاقد اولین معیار می‌باشند. معیار دوم عبارت از مرزهای مشخص است. از آنجایی که این مناطق معیار اول را ندارند یعنی دونتسک و لوهانسک بخشی از کشور اوکراین بوده و مرزهای موجود بین این دو، مرزهای اداری دو استان در کشور اوکراین می‌باشد. پس، در نتیجه این مناطق معیار دوم را هم دارا نیستند. درباره معیار سوم که عبارت از داشتن یک دولت است، نظر به نداشتن معیار اول و دوم خودبه‌خود معیار سوم نیز منتفی می‌گردد، چون دولت قانونی در این مناطق، دولت اوکراین است (صالحی، ۱۳۹۸: ۱۲۴). ولی موضوع مهم، مورد چهارم است یعنی برقراری ارتباط با سایر دولت‌ها، که به معنی شناسایی این مناطق توسط دیگر دولت‌ها می‌باشد. این مناطق تاکنون فقط توسط سه کشور (روسیه، سوریه و کره شمالی) به رسمیت شناخته شده‌اند (الجزیره، ۲۰۲۲). در طرف مقابل از سوی تعداد زیادی از کشورها مورد شناسایی قرار نگرفته و حتی، برعکس توسط قطع‌نامه شماره A/ES-L.111^۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر تمامیت ارضی اوکراین تأکید شده و از به رسمیت شناختن این دو منطقه توسط روسیه ابراز تأسف شده است. در بند ۱ این قطع‌نامه بر حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی اوکراین در داخل مرزهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی تأکید شده و همچنین، در بند ۵ ذکر شده است: «از تصمیم روسیه که در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ در رابطه با وضعیت مناطق خاص دونتسک و لوهانسک اوکراین اخذ گردیده، ابراز تأسف می‌کند و این تصمیم را

1 treaty of Montevideo

۲ قطع‌نامه یازدهمین نشست ویژه اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل متحد

به‌عنوان نقض تمامیت ارضی و حاکمیت اوکراین و مغایر با اصول منشور می‌داند»، این قطعنامه با ۱۴۱ رأی موافق در تاریخ ۱ مارس ۲۰۲۲ تصویب گردید. در نتیجه مشخص می‌گردد که مناطق دونتسک و لوهانسک بر اساس معیارهای کنوانسیون مونته‌ویدئو وضعیت دولت مستقل بودن را به دست نمی‌آورند.

۴-۲-۲- دکترین حقوقی جدایی چاره‌جویانه:

دکترین دیگری که امکان دارد در مورد مشروعیت استقلال منطقه دنباس مورد استناد قرار گیرد، دکترین جدایی چاره‌جویانه است. این نظریه خود دارای موافقین و مخالفین فراوانی است، زیرا تعدادی از دانشمندان حقوق این نظریه را قبول ندارند ولی دسته دیگر، معتقدند که این نظریه تحت شرایط خاص قابل تطبیق است (امینی، ۱۳۹۷: ۹).

دکترین جدایی چاره‌ساز در اسناد بین‌المللی به‌صورت واضح بیان نشده است و فقط می‌شود از بند ۷ بخش ۵ «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد» که طبق قطعنامه شماره ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده، این مورد را برداشت کرد. در این بند ذکر گردیده که «از هیچ‌یک از بندهای فوق (بندهای یک تا هفتم این اعلامیه) نباید به‌عنوان اجازه یا تشویق و خدشه‌دار کردن جزئی و یا کلی تمامیت ارضی، کشورهای مستقلی که مطابق با اصل حقوق برابری و تعیین سرنوشت عمل می‌کنند و از کل مردم متعلق به قلمرو خود، بدون تمایز از حیث نژاد، عقیده یا رنگ نمایندگی می‌کند؛ برداشت گردد» (G.A.Res, 1970: 2625). از این بند چنین استنباط می‌گردد که اگر کشوری حقوق اساسی مردم خود را به‌صورت فاحش نقض نماید، مردم آن سرزمین حق تعیین سرنوشت خود را دارند و در صورتی که شرایط جدایی چاره‌ساز تکمیل گردد، می‌توانند از کشور «مادر» اعلام استقلال نمایند.

در دیدگاه کلاسیک نظریه جدایی چاره‌ساز اعتقاد بر این بود که، این نظریه فقط برای کشورهای تحت استعمار قابل اجرا است، و در موارد دیگر نمی‌شود به این مورد استناد نمود. ولی بعد از استقلال کوزوو این نظریه دوباره در حقوق بین‌الملل جایگاه خود را پیدا کرد. چون،

1 Remedial Secession

2 Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations

زمانی که دیوان دادگستری بین‌المللی درباره پرونده جدایی کوزوو، خواهان مشورت از کشورها گردید، تعدادی از کشورها به این نظریه اشاره کرده‌اند. به‌طور مثال، کشور روسیه بیان کرد تا زمانی که کشور مادر حقوق تمام مردمان خود را به‌صورت برابر رعایت می‌کند، باید از تمامیت سرزمینی آن کشور حمایت شود، اما زمانی که کشور مادر به‌صورت برابر با افراد جامعه خود رفتار نمی‌کند، در این حالت است که آن دولت دیگر نماینده کل جامعه نبوده و در نتیجه، مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند (امینی، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۲). طبق این نظریه، زمانی که حقوق بنیادین مردم یک سرزمین از جانب گروه حاکم نادیده گرفته شود و یا مردم مورد تبعیض قرار بگیرند، مثلاً، موجودیت فیزیکی و یا حقوق بنیادین اقلیت زبانی و قومی مردم سلب گردد و یا اینکه از مشارکت مؤثر در امور اداری کشور محروم گردند، در این حالت است که گروه تحت ستم حق جدایی و تشکیل دولت مستقل را دارد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۳۸) ولی امر مهم این است که جدایی چاره‌ساز دارای شرایطی است که اگر آن شرایط برآورده نگردد جدایی مذکور مشروعیت ندارد و اقدام گروه‌های جدایی طلب به‌مثابه شورش تلقی می‌گردد.

شرایط جدایی دکترین چاره‌ساز عبارت‌اند از:

- ۱- حق تعیین سرنوشت مردم از جانب حکومت به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم انکار گردد؛
 - ۲- حقوق بنیادین مردم به‌صورت گسترده، منظم و مستمر نقض گردد؛
 - ۳- گروه جدایی طلب باید دارای جغرافیا خاصی باشند؛
 - ۴- گروه جدایی طلب باید در قالب مفهوم مردم قرار گیرند؛ و
 - ۵- جدایی چاره‌ساز به‌عنوان آخرین راهکار باشد (حبیبی، نواری، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۴).
- هرچند که منطقه دونباس برخی از این شرایط، مانند اینکه باید در یک قلمرو مشخص باشند و یا در قالب مفهوم مردم قرار گیرند را دارا است ولی شرایط دیگر جای بحث دارد و نیاز است تا دیده شود که آیا اعلام استقلال مناطق دونباس و به رسمیت شناختن آن توسط روسیه در قالب این نظریه مشروع است و یا خیر؟

همان‌طور گفته شد، در قدم اول جدایی چاره‌ساز در چارچوب استعمارزدایی در اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است. از آنجایی که اعمال تعیین سرنوشت فراتر از چارچوب مذکور توسط تمامیت ارضی دولت مادر محدود می‌شود، و نیز همان‌طور که معلوم است دونتسک و لوهانسک

در معرض استعمار نیستند؛ بنابراین، اولین چیزی که باید مورد بحث قرار گیرد، مبنای حقوقی استناد به این دکترین است. جدایی چاره‌ساز باید به‌عنوان آخرین راه‌حل برای پایان دادن به نقض فاحش حقوق بشر، به‌عنوان مثال، نسل‌کشی، مجاز باشد.

درباره وضعیت حقوق بشر در منطقه دنباس باید گفت که بعد از روی کار آمدن دولت موقت در سال ۲۰۱۴ در اوکراین، اتهاماتی درباره کشتار و سرکوب گسترده معترضان در این منطقه توسط رسانه‌های روسی مطرح گردید. ولی برای اثبات این ادعا هیچ مدرکی از جانب جدایی‌طلبان و حامیان آن‌ها ارائه نگردید. هرچند، تعدادی از نهادهای بین‌المللی مواردی از نقض حقوق بشر و سلب آزادی را در ماه‌های ابتدایی مناقشات منتشر کردند ولی، عامل این موارد فقط دولت اوکراین نبود. بلکه تعداد زیادی از این موارد توسط جدایی‌طلبان رخ داده بود و این گروه نقش پررنگ‌تری در نقض حقوق بشر داشته‌اند. اما، مورد مهم این است که باوجود گزارش مواردی از نقض حقوق بشر، باهم میزان تخطی‌های نقض حقوق بشری به میزانی نبوده که باعث ادعای جدایی چاره‌ساز از جانب روس تباران شرق اوکراین گردد (صالحی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). از طرف دیگر در راستای وضعیت حقوق بشر در شرق اوکراین، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد طبق به گزارش که به تاریخ ۹ فوریه ۲۰۲۲ تحت نام «مشاهدات پایانی در مورد هشتمین گزارش دوره‌ای اوکراین» ارائه نموده، در بند ۲۱ به مناطق شرق اوکراین اشاره کرده می‌نویسد: «کمیته از دولت عضو در خصوص اقدامات اتخاذشده برای تقویت حفاظت از غیرنظامیان و بهبود قابل‌توجه وضعیت امنیتی در مناطق دونتسک و لوهانسک که تحت کنترل دولت نیستند قدردانی می‌کند.» (CCPR/C/UKR/CO/9, para 21).

هرچند درباره لوهانسک و دونتسک، رئیس‌جمهور روسیه بیان کرده بود که در این مناطق نسل‌کشی در حال وقوع است، ولی همان‌طور که در بالا معلوم شد روسیه برای این بیان خود هیچ مدرک ارائه نکرده و حتی بعد از طرح دعوا علیه این کشور در دیوان دادگستری بین‌المللی، روسیه طبق نامه‌ای که به دادگاه ارسال نموده بود بیان کرد که دلیل حمله روسیه به اوکراین برای جلوگیری از نسل‌کشی نیست. در نتیجه این یافته‌ها نشان می‌دهد که مناطق لوهانسک و دونتسک از منظر حقوق بین‌الملل، شرایط کافی برای جدایی چاره‌ساز را برآورده نکرده‌اند. از این‌رو،

کشور مستقل محسوب نمی‌گردند و رسمیت شناختن این مناطق توسط روسیه بی‌اعتبار و به معنای نقض تمامیت ارضی اوکراین است.

اما برفرض، اگر لوهانسک و دونتسک کشورهای مستقلی هم بودند بازهم به دو دلیل روسیه نمی‌تواند به دفاع مشروع دسته‌جمعی استناد نماید. اولاً: تاکنون عضو سازمان ملل نیستند. ماده ۵۱ منشور ملل بیان کرده است که دفاع مشروع جمعی زمانی صورت می‌گیرد که **حمله‌ای مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل** رخ داده باشد و از آنجایی که، لوهانسک و دونتسک عضو سازمان ملل نیستند پس عملیات نظامی ویژه روسیه تحت عنوان دفاع مشروع جمعی از لوهانسک و دونتسک باطل است.

ثانیاً: حتی برفرض اگر دفاع مشروع دسته‌جمعی برای یک کشور غیر عضو هم قابل‌اعمال باشد بازهم عملیات ویژه نظامی روسیه از آنجایی که متناسب با اصل ضرورت نبوده است و روسیه وقت کافی برای دیگر اقدامات مانند شکایت از اوکراین در ارگان‌های ذیصلاح سازمان ملل را داشت تا از آن مجرا جلوی فعالیت‌های اوکراین را بگیرد، نامشروع است. پس درکل، نتیجه‌گیری می‌شود که مناطق لوهانسک و دونتسک از آنجایی که کشورهای مستقلی نیستند پس استناد روسیه به پیمان امنیتی که بین روسیه و این مناطق امضاء شده است و همچنین حمله نظامی روسیه به اوکراین با ادعای دفاع مشروع دسته‌جمعی، از منظر حقوق بین‌الملل نامعتبر و باطل است.

۴-۳- دفاع مشروع فردی:

روسیه حمله نظامی به اوکراین را با استناد به اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و در چارچوب نظریه دفاع مشروع، انجام داده است؛ از آنجایی که، حق دفاع مشروع به صورت جمعی و فردی در ماده ۵۱ ذکر گردیده است و همان‌طور که در سطور قبل معلوم گردید، حمله روسیه به اوکراین به دلیل تکمیل نکردن معیارهای دفاع مشروع جمعی از منظر حقوق بین‌الملل باطل است. در این بخش حمله روسیه به اوکراین از منظر دفاع مشروع فردی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هدف این است تا معلوم گردد که آیا اقدام روسیه مطابق ماده ۵۱ است؟ و یا این حمله به معنای نقض اصل توسل به زور و نادیده گرفتن «بند چهارم» ماده دوم منشور ملل متحد است؟.

همان‌طور که گفته شد، از دفاع مشروع برداشت‌های فراوانی صورت گرفته است و دلیل این امر نیز، نبود هیچ تعریف مشخصی از دفاع مشروع در منشور ملل متحد است. ولی، حقوق بین‌الملل دفاع مشروع را به‌عنوان حق ذاتی کشورها پذیرفته‌اند و دولت‌ها می‌توانند در شرایطی که مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرند از این حق استفاده نمایند. در همین راستا ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود به تهدیداتی که از جانب ناتو و غرب متوجه روسیه است، اشاره کرده است و بیان نموده که این تهدیدات دلیل حمله روسیه به اوکراین است:

پوتین در شرح تهدیدات روسیه گفته است: «تهدیدهای اساسی از جانب سیاستمداران غیرمسئول غربی سال‌به‌سال، به‌طور مداوم و گستاخانه برای روسیه ایجاد می‌شود». او در ادامه می‌گوید: «من به گسترش ناتو به سمت شرق اشاره می‌کنم که زیرساخت‌های نظامی خود را هرچه بیشتر به مرز روسیه نزدیک می‌کند؛ و در مورد گسترش ناتو می‌گوید: «آن‌ها ما را فریب داده‌اند». وی، در ادامه به تهدید ناتو اشاره می‌کند و می‌پرسد: «بعد چه می‌شود، چه انتظاری داریم؟ اگر به گذشته نگاه کنیم، می‌دانیم که در سال ۱۹۴۰ و اوایل سال ۱۹۴۱ اتحاد جماهیر شوروی تمام تلاش خود را کرد تا از جنگ جلوگیری کند یا حداقل وقوع آن را به تأخیر بیندازد. ولی، زمانی که برای مقابله اقدام کرد، خیلی دیر شده بود. در حال حاضر، هم با گسترش ناتو به سمت شرق، وضعیت روسیه هر سال بدتر و خطرناک‌تر می‌شود، علاوه بر این، در روزهای گذشته رهبری ناتو در بیانیه‌های خود مبنی بر اینکه باید زیرساخت‌های این پیمان را به مرزهای روسیه نزدیک کنند، تأکید کرده‌اند، ما نمی‌توانیم بیکار بمانیم و منفعلانه این تحولات را مشاهده کنیم، انجام این کار برای ما کاملاً غیرممکن خواهد بود. البته، مشکل مربوط به خود «ناتو» نیست. بلکه مشکل این است که در سرزمین‌های مجاور روسیه، یک «اتحاد ضد روسیه» متخاصم در حال شکل‌گیری است. آن‌ها هیچ گزینه دیگری برای دفاع از روسیه و مردم ما باقی نگذاشتند، غیر از گزینه‌ای که امروز مجبور به استفاده از آن هستیم (سایت ریاست جمهوری روسیه، ۲۰۲۲)». او سپس به ماده ۵۱ منشور ملل متحد استناد کرده بیان می‌کند که روسیه برای دفاع مشروع این عملیات نظامی ویژه را آغاز نموده است.

۴-۳-۱- دفاع مشروع کلاسیک:

همان‌طور که از متن ماده ۵۱ منشور ملل متحد معلوم است، دفاع مشروع دارای شروطی است که یکی از آن شروط، مسلم بودن تجاوز مسلحانه است. یعنی، نیروهای نظامی کشور دیگری به صورت زورمندانه از مرزهای بین‌المللی به کشوری تجاوز نماید، در این صورت است که عملیات تجاوزکارانه عینیت پیدا می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۴۴۳-۴۴۲). دیده می‌شود که این شرط دفاع مشروع که البته شرط اولیه دفاع مشروع هم است قبل از حمله نظامی روسیه به اوکراین به وقوع نپیوسته است. یعنی، هیچ حمله‌ای از جانب اوکراین و یا پیمان ناتو از خاک اوکراین علیه روسیه انجام نگرفته است. پس طبق دیدگاه کلاسیک نظریه دفاع مشروع، حمله روسیه به اوکراین جواز نداشته و از همین رو، هیچ جایگاهی در حقوق بین‌المللی ندارد.

۴-۳-۲- بررسی حمله روسیه در قالب دفاع مشروع بازدارنده:

دفاع مشروع بازدارنده، کاملاً با دفاع مشروع کلاسیک متفاوت است. زیرا، در این نوع از دفاع مشروع وقوع حمله نظامی شرط اصلی برای احراز حق دفاع مشروع محسوب نمی‌گردد. حق دفاع مشروع می‌تواند در زمانی که یک حمله قریب‌الوقوع است احراز گردد. زیرا در این مواقع نباید منتظر نشست تا حمله‌ای رخ دهد و متحمل خسارت شد و بعداً به دفاع مشروع متوسل گردد؛ بلکه یک کشور در صورتی که با حمله قریب‌الوقوع روبرو است می‌تواند پیش‌دستی کند و قبل از اینکه مورد حمله قرار بگیرد اقدام به دفاع مشروع نماید.

دفاع مشروع بازدارنده خود به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- دفاع مشروع پیش‌دستانه، ۲- دفاع مشروع پیشگیرانه. نظر به دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه یک کشور زمانی حق دفاع دارد که مورد حمله قرار گرفته باشد و یا اینکه حمله‌ای قریب‌الوقوع علیه آن کشور در حال رخ دادن باشد. مانند بسیج شدن نیروهای زمینی، دریایی و هوایی کشوری در نزدیکی مرز آن کشور و در کل نشانه‌ها و هشدارهای جدید از یک حمله قریب‌الوقوع وجود داشته باشد. در این حالت، کشور می‌تواند به دفاع مشروع پیش‌دستانه متوسل گردد. در کل، «دفاع مشروع پیش‌دستانه عبارت از توسل به حمله نظامی (چه در ابعاد وسیع که می‌تواند شامل هجوم همه‌جانبه و اشغال یک کشور گردد و چه در ابعاد محدود که می‌تواند صرفاً دربرگیرنده انهدام اهدافی معین باشد) به منظور پیش‌دستی جستن در زدن ضربه کارآمد به عامل تهدید است. در واقع، کشوری که اقدام به حمله

پیش‌دستانه می‌نماید ادعا می‌کند که بر مبنای شواهد، قرائن و مدارک قانع‌کننده به این نتیجه رسیده است که کشور متخاصم، نیت و قصد حمله علیه آن کشور را داشته و اگر در زدن ضربه پیش‌دستی نکند، همانا قربانی حمله قریب‌الوقوع طرف مقابل خواهد گردید» (صلاحی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). اما زمانی که، روسیه تجاوز نظامی خود را علیه اوکراین آغاز نمود نظر به شواهد، هیچ نشانه‌ای از تهدید فوری از جانب اوکراین و پیمان ناتو علیه روسیه وجود نداشت و خطری روسیه را تهدید نمی‌کرد. در نتیجه نمی‌توان حمله روسیه به اوکراین را در قالب دفاع مشروع پیش‌دستانه قلمداد نمود. این حمله، با توجه به دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه حقوق بین‌الملل قابل توجیه نبوده و مشروعیت ندارد، و تجاوز به اوکراین محسوب می‌گردد.

۴-۳-۲-الف- دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه:

دفاع مشروع پیشگیرانه عبارت است از «حمله‌ای که برای پاسخ به تهدیدات کمتر فوری از جانب یک کشور صورت می‌گیرد و هدف آن است تا عنصر تهدید زا، خیلی سریع ضربه خردکننده‌ای متحمل شده و تا مدت‌های مدیدی از دایره تهدیدزائی برای کشور مهاجم خارج شود» (ظریف، اهنی، ۱۳۹۱: ۴۶). اگر حمله روسیه در قالب دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه مورد بررسی قرار گیرد، شاید ادعاهای روسیه را بتوان در قالب این نظریه گنجاند. زیرا، روسیه گسترش ناتو به سمت شرق را به‌عنوان تهدیدی برای خود در آینده تصور می‌کند و روسیه معتقد است پیمان ناتو در حال استقرار سامانه موشکی در نزدیکی مرز روسیه و در خاک اوکراین است. از جانب دیگر روسیه ادعا دارد که کشورهای غربی در اوکراین در حال ساخت بمب هسته‌ای‌اند، و تصمیم دارند در آینده از آن بمب‌ها علیه روسیه استفاده کنند. این موارد را می‌شود در سخنرانی پوتین مشاهده کرد، او می‌گوید: «اگر به رویدادها و گزارش‌های دریافتی نگاه کنیم، نمی‌توان از رویارویی روسیه و این نیروها (ناتو و کشور آمریکا) اجتناب کرد؛ فقط مسئله‌ی زمان مطرح است. آن‌ها در حال آماده شدن و منتظر لحظه مناسب هستند، علاوه بر این، آن‌ها (اوکراین) تا آنجا پیش رفتند که آرزوی دستیابی به سلاح هسته‌ای را دارند، ما نمی‌گذاریم این اتفاق بیفتد» (سایت ریاست جمهوری روسیه، ۲۰۲۲). از سخنان رئیس‌جمهور روسیه می‌توان به‌خوبی نگرانی پوتین را درک کرد. نگرانی روسیه از آینده است و این کشور برای جلوگیری از تهدیداتی که ممکن است در آینده روسیه را با خطر مواجه نماید، دست به حمله نظامی به اوکراین زده است.

اما با توجه به کلیات حقوق بین‌الملل و بخصوص منشور ملل متحد نمی‌توان تجاوز روسیه به اوکراین را در قالب دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه توجیه نمود. چراکه، روسیه شروط دفاع مشروع را رعایت ننموده است. همان‌طور که گفته شد، دفاع مشروع دارای شروطی است که یکی از آن شروط، شرط ضرورت می‌باشد. ضرورت یعنی اینکه، دفاع مشروع زمانی می‌تواند انجام شود که راه‌های دیپلماتیک و غیرنظامی جهت رفع تجاوز وجود نداشته باشد. در مورد روسیه و اوکراین هنوز درهای گفتگو باز بود و کشور روسیه می‌توانست با مذاکرات دیپلماتیک به توافقی با طرف اوکراینی در مورد این موضوع برسد ولی، روسیه از این ابزار استفاده نکرد و با حمله به اوکراین، آغازگر جنگ بود.

دلیل دیگر مشروع نبودن این حمله، جایگاه دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل است زیرا دفاع مشروع پیشگیرانه در عرصه بین‌المللی به‌عنوان یک قاعده کلی مورد قبول نیست. از زمان به وجود آمدن سازمان ملل و تصویب منشور ملل متحد، هر کشوری به دفاع مشروع پیشگیرانه متوسل گردیده، اقدام آن کشور با واکنش منفی دولت‌ها و سازمان ملل متحد همراه بوده است. به‌طور نمونه، حمله اسرائیل به عراق در ۱۹۸۱، با محکومیت جهانی همراه شد و حتی شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ این حمله را به‌عنوان نقض منشور ملل متحد، محکوم نمود و در همین راستا مجمع عمومی نیز حمله اسرائیل را اقدام تجاوزکارانه‌ای از پیش برنامه‌ریزی شده قلمداد نمود و آن را محکوم کرد (سایت آرشیو امنیت ملی، ۲۰۲۱). اما، بارزترین نمونه استفاده دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه در قرن ۲۱، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ است. این حمله نیز با واکنش‌های منفی بین‌المللی همراه بوده است و بسیاری از کشورهای جهان این اقدام آمریکا را نقض منشور ملل متحد خواندند و در همین راستا، کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ بیان کرد که حمله آمریکا و متحدانش به عراق غیرقانونی بوده است (گاردین، ۲۰۰۴). با بررسی این نمونه‌ها از دفاع مشروع پیشگیرانه می‌توان نتیجه گرفت که دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه از جانب اکثر کشورها در عرصه بین‌المللی پذیرفته‌شده نیست. از این جهت، حتی اگر حمله روسیه به اوکراین را در قالب دفاع مشروع پیشگیرانه در نظر بگیریم باز هم این حمله از منظر حقوق بین‌الملل مشروعیت ندارد و باطل است.

۵- حمله روسیه به اوکراین از منظر قطعنامه تعریف تجاوز:

طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، هرگونه توسل به زور و یا تهدید به زور در حقوق بین‌الملل ممنوع است. مگر اینکه، نظر به ماده ۵۱ منشور ملل متحد شامل دفاع مشروع گردد و یا اینکه نظر به ماده ۴۲ منشور، با اجازه شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. درباره حمله روسیه باید گفت که هیچ‌کدام از این دو مورد محقق نشده است. زیرا، روسیه برای حمله به اوکراین، مجوز رسمی از شورای امنیت کسب نکرده است و همچنین، نمی‌توان این حمله را مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد دفاع مشروع دانست. در نتیجه می‌توان گفت که این حمله از منظر حقوق بین‌الملل تجاوز محسوب می‌گردد. زیرا، از یک طرف از منظر حقوق بین‌الملل دفاع مشروع نبوده و مشروعیت ندارد و از جانب دیگر تمامی شرایط قطعنامه شماره ۳۳۱۴ که به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ درباره تعریف تجاوز با اجماع آراء از جانب مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده را دارا است.

این قطعنامه در ماده اول تجاوز را این‌گونه تعریف می‌کند: «تجاوز عبارت است از استفاده از نیروی مسلح توسط یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور دیگر، یا به هر شکل دیگری که با منشور سازمان ملل متحد، همان‌طور که در این تعریف آمده است، مغایرت داشته باشد». روسیه با حمله به اوکراین طبق این تعریف از نیروی مسلح علیه حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی اوکراین استفاده نموده است. همچنین، این قطعنامه در ماده سوم خود بیان می‌کند: «هر یک از اعمال ذیل به معنی تجاوز محسوب می‌گردد: (۱) تهاجم یا حمله نیروهای مسلحانه یک کشور به قلمرو کشور دیگر. (۲) هرگونه اشغال نظامی، هرچند موقت که ناشی از آن تهاجم یا حمله مسلحانه باشد. (۳) هرگونه الحاق جابانه تمام یا بخشی از قلمرو یک کشور. (۴) بمباران یا کاربرد سلاح علیه کشور دیگر. (۵) محاصره بندرها یا سواحل یک کشور به وسیله نیروهای مسلح کشور دیگر. (۶) حمله مسلحانه به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی یا ناوهای دریایی و هوایی غیرنظامی کشور دیگر» (A/29/RES/1974, 3314). با در نظر گرفتن این بند از قطعنامه تعریف تجاوز معلوم می‌گردد که روسیه تمامی موارد بالا را در قبال اوکراین انجام داده است. لذا می‌توان حمله روسیه به اوکراین را از منظر حقوق بین‌الملل تجاوز محسوب کرد که مشروعیتی در حقوق بین‌الملل ندارد.

۶- قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت حمله روسیه به اوکراین:

نماینده دائمی روسیه در شورای امنیت سازمان ملل به تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ طی نامه شماره (S/154/2022)، شورای امنیت سازمان ملل را از حمله نظامی روسیه به اوکراین مطلع نمود و سپس شورای امنیت در واکنش به این حمله، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را از جانب آلبانی و آمریکا آماده نمود که تجاوز روسیه به اوکراین را محکوم می‌نمود و آن را نقض ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل برمی‌شمرد، و بیان می‌کرد که همه کشورهای عضو باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر یک از اعضا خودداری کنند.

متن پیش‌نویس، حمله روسیه به اوکراین را نقض صلح و امنیت بین‌المللی محسوب کرده و اقدامات تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین را محکوم می‌نمود (سایت گزارش شورای امنیت، ۲۰۲۲). ولی، این پیش‌نویس توسط روسیه و توگردید و از این رو، شورای امنیت در ۲۷ فوریه ۲۰۲۲، با تصویب قطعنامه ۲۶۲۳ (۱۱ رأی موافق، ۳ رأی ممتنع، ۱ رأی مخالف) خواستار تشکیل جلسه ویژه مجمع عمومی شد (سایت گزارش شورای امنیت، ۲۰۲۲).

جلسه اضطراری مجمع عمومی به تاریخ ۲ مارس ۲۰۲۲ برگزار و در نتیجه قطعنامه (A/RES/ES-1/11) را با ۱۴۱ رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۳۵ رأی ممتنع تصویب نمود. در این قطعنامه آمده است که: مجمع عمومی با تأکید مجدد بر اهمیت منشور ملل متحد در ترویج حاکمیت قانون در میان ملت‌ها و با توجه به قطعنامه ۲۶۲۳ شورای امنیت دایر گردیده است. مجمع عمومی با استناد به قطعنامه ۲۶۲۵ خود که در آن اعلامیه، اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد را تصویب کرد بود. همچنین، با استناد به قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ درباره تجاوز که تجاوز را به‌عنوان استفاده از نیروی مسلح علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور و یا هر روش دیگری که با منشور مغایرت دارد تعریف نموده است، ضمن محکوم کردن اعلامیه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ فدراسیون روسیه مبنی بر «عملیات نظامی ویژه» در اوکراین، تأکید می‌کند که هیچ‌گونه تصرف سرزمینی ناشی از تهدید یا استفاده از زور به رسمیت شناخته نخواهد شد. با استناد به بیانیه دبیر کل که در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ ایراد گردید و در آن بیان نمود استفاده از زور

توسط یک کشور علیه کشور دیگر مخالف اصولی است که هر یک از اعضا متعهد به رعایت آن هستند در نتیجه تهاجم نظامی فعلی فدراسیون روسیه در تضاد با منشور ملل متحد می‌باشد. مجمع عمومی با استقبال از تلاش‌های مستمر دبیر کل و سازمان امنیت و همکاری اروپا و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای حمایت از تنش‌زدایی اوضاع در اوکراین و تشویق به ادامه گفتگو:

۱ - تعهد خود را به حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی اوکراین در محدوده مرزهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده آن که تا آب‌های سرزمینی آن گسترش می‌یابد، مجدداً اعلام می‌دارد.

۲ - تأسف خود را نسبت به تجاوز فدراسیون روسیه به اوکراین که نقض ماده ۲ (۴) منشور است، ابراز می‌دارد.

۳ - از فدراسیون روسیه می‌خواهد که فوراً استفاده از زور علیه اوکراین را متوقف و از هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه اعضاء خودداری کند.

۴ - همچنین از فدراسیون روسیه می‌خواهد که فوراً، به صورت کامل و بدون قید و شرط تمامی نیروهای نظامی خود را از خاک اوکراین خارج کند.

۵ - تأسف خود را از تصمیم ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ فدراسیون روسیه درباره به رسمیت شناختن مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین که به عنوان نقض تمامیت ارضی و حاکمیت اوکراین و مغایر با اصول منشور است، ابراز می‌دارد.

۶ - از فدراسیون روسیه می‌خواهد که فوراً و بدون قید و شرط تصمیم مربوط به وضعیت مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین را لغو کند.

۷ - از فدراسیون روسیه می‌خواهد که اصول مندرج در منشور و بیانیه روابط دوستانه را رعایت کند.

۸- (مجمع عمومی) خواستار حل فوری مسالمت‌آمیز مناقشه بین فدراسیون روسیه و اوکراین از طریق گفتگوهای سیاسی، مذاکرات، میانجیگری و سایر ابزارهای مسالمت‌آمیز است (۲۰۲۲, ۱/۱۱A/RES/ES-).

از روح این قطعنامه که تحت عنوان (تجاوز علیه اوکراین) به تصویب رسیده است استنباط می‌گردد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، حمله روسیه را با استناد به قطعنامه تعریف تجاوز، اقدام تجاوزکارانه قلمداد نموده و با اکثریت آرا این اقدام را محکوم کرده است.

مجمع عمومی بار دیگر در ۲۴ مارس ۲۰۲۲ جلسه ویژه مجمع عمومی را دایر و قطعنامه‌ای تحت عنوان پیامدهای بشردوستانه تجاوز به اوکراین را تصویب کرد. در این قطعنامه با تأکید مجدد بر موارد قطعنامه قبلی از جمله محکوم نمودن حمله روسیه به اوکراین و درخواست خروج فوری نیروهای روسی از این کشور، از طرفین درخواست رعایت حقوق بشردوستانه در جریان درگیری‌ها را نمود.

قطعنامه بعدی مجمع عمومی تحت عنوان تعلیق عضویت فدراسیون روسیه در شورای حقوق بشر با شماره (A/RES/ES-3/11) به تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۲۲ تصویب گردید مجمع عمومی در این قطعنامه در کنار تأکید مجدد بر تجاوز بودن حمله روسیه به اوکراین، تصمیم گرفت تا عضویت روسیه در شورای حقوق بشر را به تعلیق درآورد.

مجمع عمومی در تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲ و در ادامه سه قطعنامه قبلی، قطعنامه‌ای دیگر تحت عنوان تمامیت ارضی اوکراین: دفاع از اصول منشور سازمان ملل متحد به شماره (A/RES/ES-4/11) تصویب نمود در این قطعنامه با تأکید بر اینکه حمله نظامی روسیه به اوکراین نظر به منشور ملل متحد، تجاوز قلمداد می‌گردد، بازم تأکید گردید که روسیه باید فوری و بدون قید و شرط خاک اوکراین را ترک کند و همچنین، الحاق مناطق لوهانسک و دونتسک به روسیه را محکوم نمود.

قطعنامه پنجم مجمع عمومی، در تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲ علیه روسیه تصویب گردید و با تأکید مجدد بر خواسته‌هایی که در قطعنامه‌های قبلی ذکر گردیده بود، تشخیص داد که روسیه برای نقض قوانین بین‌المللی از جمله تجاوز این کشور به اوکراین باید پاسخگو باشد (A/RES/ES-4/11, ۲۰۲۲). با مطالعه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل که در جلسه‌های ویژه با اکثریت آرا به تصویب رسیده است، معلوم می‌گردد که این اقدام روسیه منطبق با حقوق بین‌المللی نبوده و از دیدگاه حقوق بین‌الملل تجاوز به کشور اوکراین قلمداد می‌گردد.

در کنار واکنش‌های مجمع عمومی سازمان ملل نسبت به حمله روسیه به اوکراین، این کشور از جانب جمع بزرگی از کشورها مورد تحریم‌های شدید قرار گرفته است. مثلاً: اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در ۲۵ فوریه، ۲۸ فوریه و ۲ مارس، پس از شروع حمله روسیه، اقدام به اعمال تحریم‌های شدیدی علیه روسیه نمودند و اتحادیه اروپا محدودیت‌هایی را برای افرادی از جمله ولادیمیر پوتین و وزرای ارشد روسیه اعمال کرد. همچنین، بانک‌های دولتی و بخش‌های انرژی و هوانوردی روسیه را تحریم نموده و ورود هواپیماهای روسی به حریم هوایی اتحادیه اروپا و فرودگاه‌های اتحادیه اروپا را ممنوع اعلام کرد. در همین راستا، آمریکا نیز اقدام به تحریم بانک‌های دولتی، شرکت‌های بزرگ و شخصیت‌های ارشد سیاسی و نظامی روسیه نمود. بعد از اتحادیه اروپا و آمریکا سایر کشورها هم تحریم‌های مشابه را علیه روسیه اجرایی کردند. مثلاً در ۱ و ۲ مارس، انگلستان اقدام به تحریم بخش‌های مالی، تجاری و کشتیرانی روسیه کرد و علاوه بر این، کشورهای استرالیا، کانادا، ژاپن، نیوزلند، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان نیز اقدام به تحریم روسیه نمودند (crsreports.congress.gov, 2022). همچنین، تعدادی از کشورها به اوکراین کمک‌های دفاعی کردند.

نتیجه‌گیری

حمله روسیه به اوکراین بزرگ‌ترین جنگ در قاره اروپا بعد از جنگ جهانی دوم است این حمله به بهانه دفاع مشروع فردی و جمعی، همچنین برای جلوگیری از نسل‌کشی و مجازات عاملان آن، در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز گردید با بررسی حقوق بین‌الملل و آرای دیوان دادگستری عدالت در پرونده اوکراین علیه روسیه معلوم گردد ادعا دخالت بشردوستانه که از جانب روسیه مطرح گردیده بود، مشروعیتی ندارد و باطل است.

درباره دفاع مشروع جمعی هم معلوم گردید که مناطق لوهانسک و دونتسک از نظر حقوق بین‌المللی کشورهای مستقل محسوب نمی‌گردند و بر این اساس، پیمان امنیتی منعقدشده بین روسیه و این مناطق که کشور روسیه با اتکا به آن، علیه اوکراین حمله نظامی نموده است؛ از منظر حقوق بین‌الملل فاقد اعتبار بوده و در نتیجه، حمله روسیه با استناد به دفاع مشروع جمعی، از منظر حقوق بین‌الملل فاقد مشروعیت بوده و غیرقانونی است.

اما اگر این حمله را در چارچوب دفاع مشروع فردی موردبررسی قرار دهیم، معلوم می‌گردد که این اقدام روسیه، از آنجایی که هیچ حمله نظامی‌ای علیه آن کشور از خاک اوکراین صورت نگرفته است، شرایط دفاع مشروع فردی را تکمیل نمی‌کند. از این نظر هم، از منظر حقوق بین‌الملل فاقد اعتبار است.

اگر این اقدام روسیه در قالب دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه موردبررسی قرار گیرد معلوم می‌گردد تهدیداتی که ولادیمیر پوتین از آن‌ها یاد می‌کند می‌تواند در آینده متوجه روسیه گردد و از این روی، می‌شود این حمله را در چارچوب دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه موردبررسی قرارداد. ولی، بازهم چند اشکال وجود دارد. اول؛ این که برای روسیه هنوز زمینه‌ای گفتگو و جلوگیری از این جنگ توسط روش‌های صلح‌آمیز وجود داشت، ولی، روسیه از آن گزینه‌ها استفاده نکرده؛ و دوم اینکه تمام حملات قبلی که با استناد به دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه در عرصه بین‌المللی رخ داده، تماماً با واکنش منفی کشورها و سازمان ملل متحد روبرو گردیده است. از این رو دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل مورد تأیید نیست. در نتیجه حمله روسیه به اوکراین نیز از منظر حقوق بین‌المللی مشروعیت ندارد.

اگر بخواهیم جایگاه این حمله را از منظر حقوق بین‌المللی موردبررسی قرار دهیم، معلوم می‌گردد که حمله روسیه طبق قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی که به صورت اجماع به تصویب رسیده، از منظر حقوق بین‌الملل تجاوز به کشور اوکراین محسوب می‌گردد و نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است. برای همین این حمله در سطح بین‌الملل با واکنش‌های منفی فراوانی روبرو شده است مثلاً، کشورهای آلبانی و ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را ترتیب نمودند که در آن حمله روسیه، تجاوز به اوکراین قلمداد شده بود. ولی، این قطعنامه با وتوی روسیه مواجه گردید. در نتیجه جلسات ویژه مجمع عمومی دایر و در چندین جلسه، حمله روسیه به اوکراین از جانب اکثر کشورهای بین‌المللی محکوم گردید. در همین راستا، کشور روسیه با تحریم‌های شدید از جانب کشورهای جهان مواجه شده است.

بدین ترتیب از آنجایی که این اقدام روسیه مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد نبوده و از آن رو که، این حمله تمامی معیارهای بیان‌شده در قطعنامه تعریف تجاوز را دارا می‌باشد و همچنین از آن جهت که با محکومیت‌های بین‌المللی مواجه شده است، این حمله از منظر حقوق بین‌الملل تجاوز به اوکراین محسوب می‌گردد و نقض اصل عدم توسل به زور، در عرصه بین‌المللی است.

فهرست منابع

- امینی، واحد (۱۳۹۷)، «حقوق بین‌الملل جدایی‌طلبی، چهارچوبی تحلیلی برای فهم و میزان سنجی کاربست تئوریک و مدل پراگماتیک دکترین جدایی چاره‌ساز جدایی جبرانی در پرتو جدایی یک جاذبه در نظام حقوق بین‌الملل»، دومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، و کالت و علوم اجتماعی، همدان.
- جلالی، محمود (۱۳۸۵)، «مشروعیت استفاده از زور در عراق از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، حقوق تطبیقی، (۱۱)، ۱۴۹-۱۷۲.
- «چین: آمریکا و ناتو برای حمله به کشورها عذرخواهی کنند/ حمله ناتو به یوگسلاوی سابق با حدود ۲ هزار موشک و ۱۴ هزار بمب/ استفاده از بمب‌های خوشه‌ای و گلوله توپ‌های اورانیومی»، ۱۴۰۱. قابل دسترس در: <https://fa.alalam.ir/news>.
- حبیبی، همایون، و نواری، علی (۱۳۹۳)، «ارزیابی وجود حق بر جدایی چاره‌ساز یا جبرانی به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی»، فصلنامه حقوقی بین‌المللی، (۵۱)، ۹۷-۱۲۴.
- حقیقت پور، حسین (۱۳۹۹)، «دفاع مشروع بازدارنده از منظر حقوق بین‌الملل اسلامی». فقه و اصول، ۵۲ (۱)، ۳۵-۵۶.
- رجبی تاج امیر، ابراهیم، رضازاده سلطان‌آباد، محمد (۱۴۰۰)، «دفاع مشروع پیشدستانه در برابر گروه‌های غیردولتی از منظر حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴ (۵۳)، ۹۷-۱۱۵.
- زمانی، ناصر (۱۳۹۲) «تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب». سیاست خارجی، ۲۷ (۴)، ۸۸۹-۹۱۸.
- شریفی طراز کوهی، حسین، بارین چهاربخش، و بکتور (۱۳۹۲)، «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم»، پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۰)، ۹-۳۶.
- صالحی، عطا اله (۱۳۹۸)، «تحلیل مناقشه دنباس از منظر حقوق بین‌الملل»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۵ (۱۰۸)، ۱۰۱-۱۴۱.
- صلاحی، سهراب (۱۳۹۱)، «بازخوانی دلایل اشغال عراق از منظر حق توسل به زور و بررسی آثار آن در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۴۲ (۴)، ۱۵۷-۱۷۶.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۶۵، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ظریف، محمدجواد، و آهنی امینه، محمد (۱۳۹۱)، «دفاع مشروع پیشدستانه. مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴ (۱۲)، ۴۱-۸۲.

- عزیزی، ستار. (۱۳۸۷)، «استقلال کوزوو: بررسی مشروعیت جدایی یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل»، حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، صص ۴۵-۱۱.
- علیخانی، مهدی (۱۳۹۴). «قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی»، مطالعات بین‌المللی، ۱۱ (۴): ۲۱-۵۶.
- عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، چاپ ۷، تهران: امیرکبیر.
- فضائی، کرمی (۱۳۹۹)، «تحول تاریخی حقوق بین‌الملل توسل به زور تا شکل‌گیری نظام ملل متحد؛ بیم‌ها و امیدها»، مطالعات دفاع مقدس، ۶ (۱)، ۳۱-۶۰.
- قاسمی، علی، بارین چهار بخش، ویکتور (۱۳۹۱)، «تهدید به زور و حقوق بین‌الملل»، پژوهش حقوق عمومی، ۱۴ (۳۶)، ۱۳۳-۱۵۶.
- کمالان، سید مهدی (۱۳۸۶)، «منشور سازمان ملل متحد به همراه: اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری»، تهران: نشر کمالان.
- لاچینانی، سجاد (۱۳۹۵)، «مسئولیت حمایت و مشروعیت مداخله بشردوستانه». سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، ۱۲ (۳)، ۴۹-۶۲.
- محمدعلی پور، فریده (۱۳۸۳)، دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد به تأکید ویژه بر جنگ عراق علیه ایران، تهران: انتشارات فرهنگ گستر.
- منشور سازمان ملل، (۱۹۴۵).
- مهدویان، افتخاری (۱۳۹۷)، «شاخص‌های جنگ عادلانه در سیره نظامی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)»، مطالعات تاریخ اسلام، ۳۸ (۱۰)، ۱۶۱-۱۸۵.
- یاقوتی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل». سیاست خارجی، ۲۵ (۴)، ۱۳۲-۱۱۳.
- “Address by President of the Russian Federation” 2022. Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/20603> (accessd 2022/12/21)
- “Application instituting proceedings submitted by Ukraine” 2022. Available at: <https://www.acerislaw.com/wp-content/uploads/2022/03/Ukraine-ApplicationICJ.pdf> (accessd 2022/08/15)
- “Concluding observations on the 8th periodic report of Ukraine: Human Rights Committee” 2022. Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/3957960> (accessd 2022/11/16)

- “Iraq war was illegal and breached UN charter, says Annan” 2004. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2004/sep/16/iraq.iraq> (accessd 2022/07/14)
- Israeli Attack on Iraq's Osirak 1981, “Setback or Impetus for Nuclear Weapons?” 2021. Available at: <https://nsarchive.gwu.edu/briefing-book/iraq-nuclearvault/2021-06-07/osirak-israels-strike-iraqs-nuclear-reactor-40-years-later> (accessd 2022/07/16)
- “Montevideo Convention on the Rights and Duties of States” 1933. Available at: <https://www.jus.uio.no/english/services/library/treaties/01/1-02/rights-dutiesstates.xml> (accessd 2022/09/16)
- “Ukraine cuts N Korea ties over recognition of separatist regions” 2022. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2022/7/13/n-korea-recognises-breakaway-of-russias-proxies-in-east-ukraine> (accessd 2022/11/24)
- “Ukraine: Vote on Draft Resolution” 2022. Available at: <https://www.securitycouncilreport.org/whatsinblue/2022/02/ukraine-vote-on-draft-resolution.php> (accessd 2022/12/26)
- “Ukraine’s ICJ Claim Against Russia Under the Genocide Convention” 2022. Available at: <https://www.international-arbitration-attorney.com/ukraines-icjclaim-against-russia-under-the-genocide-convention/> (accessd 2022/11/21)
- Nicaragua Case, ICJ Rep. 1986.
- P. Mulligan, Stephen (2022), “International Neutrality Law and U.S. Military Assistance to Ukraine”, Congressional Research Service, available form: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/LSB/LSB10735/3> (accessd 2022/09/14) .
- UN Doc. A/RES/29/3314 of 14 December 1974.
- UN Doc. A/RES/ES-11/1, 2022 available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/293/36/PDF/N2229336.pdf?OpenElement> (accessd 2022/09/16)
- UN Doc. A/RES/ES-11/2, 2022 available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/301/67/PDF/N2230167.pdf?OpenElement> (accessd 2022/09/16)
- UN Doc. A/RES/ES-11/3, 2022 available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/312/47/PDF/N2231247.pdf?OpenElement> (accessd 2022/09/16)
- UN Doc. A/RES/ES-11/4, 2022 available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/630/66/PDF/N2263066.pdf?OpenElement> (accessd 2022/09/16)

UN Doc. A/RES/ES-11/5, 2022 available at: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/693/55/PDF/N2269355.pdf?OpenElement> (accessd 2022/09/16)